

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۲۸ اپریل ۲۰۱۹

[شیوه یاری]

نازم ای سرو سپی قامت رعناي ترا بنده خاص شوم نرگس شهلای ترا
زنده باشی که به ما شیوه یاری داری حق کند در دل من بیش تمنای ترا
گر دوصد بار بمیرم به پیش قدمت کی توانیم ادا، حق ادا های ترا
آرزوی دلم اینست که باشی تو به خواب چشم مالیده زیارت بکنم پای ترا
من روا دار نئیم با پدر و مادر تو رشکم آید که کنند سیر و تماشای ترا
پرده های دل من زیر برش آمده است تا که خیاط گرفته قد و بالای ترا
سنبل از نسبت بی نسبتی گردید خجل تا به مقراض زند زلف سمنسای ترا
مست نازند بُتان شکوه بیجان کنی که ندارند به دل ذره ای پروای ترا
عشقوری در سر بازار می آشام مباح محتسب می شکند ساغر و مینای ترا